

بحث در موضوعات حقوقی

رهن

در حقوق اسلامی و حقوق فرانسه

علامه در تذکره و شهید ثانی در مسالك عقیده دوم را اختیار کرده و قبض را شرط لزوم عقد دانسته اند.
قانونگذار ایران قبض را شرط رهن میدانند ماده ۷۷۲ مقرر میدارد:

« مال مرهون باید بقبض مرتهن یا بتصرف کسی که بین طرفین معین میشود داده شود » هر چند از این عبارت معلوم نیست که مقنن قبض را شرط صحت میدانند یا شرط لزوم ولی با توجه بقسمت اخیر ماده « که استمرار قبض را شرط صحت معامله نمیدانند » معلوم میشود قبض در نظر قانونگذار شرط صحت معامله میباشد نه شرط لزوم .

فقهایی که قبض را شرط صحت میدانند علاوه بر آیه مذکوره بخیبر معروف لارهان الا مقبوضه نیز استناد جسته میکنند مقصود از نفی در این خبر نفی صحت رهن میباشد نه نفی کمال آن

محققین فرانسه قبض را لازمه رهن میدانند بعبارت دیگر کلمه رهن را متضمن قبض فرض میکنند و رهن بدون قبض را قابل تصور هم نمیدانند معتقدند از مدیون باید وثیقه گرفت حتی در صورتیکه حسن نیت و درست کاری او مورد تردید هم نباشد زیرا علت سوخت شدن مطالبات همیشه سوء نیت و نادرستی خود مدیون نیست بلکه گاهی در اثر حوادث ناگهانی برخلاف میل و اراده او نیز طلب طلبکار از بین میرود تصرف عرفی مال مرهون را کافی میدانند مثل دادن کلید اطافی که شیئی مرهون در آنجا واقع است تشخیص اینکه قبض

رهن در لغت بمعنی دوام و ثبات میباشد و بمعنی حبس نیز آمده مثل کل نفس بما کسبت رهنیه یعنی مجبوسه و در اصطلاح حقوقی چنانچه در قانون مدنی هم ذکر شده عقدی است که بموجب آن مدیون مالی را برای وثیقه بدین می دهد رهن دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن میگویند.
« ماده ۷۷۲ »

از آیات قرآنی تنها آیه زیر از رهن گفتگو نموده:
« وان ڪنتم علی سفر ولم تجدوا كتاباً فراهان مقبوضه الخ »
« سوره البقره » آیه نامبرده با همه اختصار مأخذ و مبنای عدل از احکام مهمه فقهی میباشد که ذیلأ بچند فقره از آن اشاره مینمائیم:

۱- چنانچه عدالت شرط شهادت و تراشی شرط تجارت است بعقیده جمعی از فقهاء قبض نیز شرط رهن میباشد طرفداران این عقیده با استدلال بهمین آیه میگویند کلمه رهن در آیه باقید مقبوض مقید است و این تقييد کاشف است از اینکه قبض شرط رهن میباشد.

آیا قبض شرط صحت رهن میباشد یا شرط لزوم مسئله مورد اختلاف میباشد کسانی که قبض را شرط صحت رهن میدانند عقد رهن غیر مقبوض را هم باطل میدانند و بعقیده لشخصی که قبض را شرط لزوم میدانند عقد بدون قبض مال مرهون صحیح میباشد ولی مادامی که قبض و قباض بعمل نیامده عقد لزوم بنیاد نمیکند و رهن حق فسخ آنرا دارد.

و اقباض قانوناً بعمل آمده یا نه از وظائف مراجع قضائی می باشد •

دیوان کشور فرانسه مکرراً خاطر نشان کرده که خلع ید راهن از مال مرهون باید بصورت علنی و آشکار وقوع یابد تا اشخاص دیگر در مورد لزوم بتوانند از این قسمت اطلاع پیدا نمایند •

۲- بالاستدلال بهمین آیه معتقدند :

شیئی مرهون چیزی باید باشد که استیفای حق سرتهس از آن امکان داشته باشد زیرا منظور شارع راهنمائی بحفظ مال بوده پس هرگاه شیئی مرهون قابل انتقال نباشد و استیفای حق از آن امکان نداشته باشد از منظور حفظ اموال تخطی شده و بالتیجه عقد باطل است ماده ۷۷۴ قانون مدنی میگوید هر مالی که قابل نقل و انتقال نیست نمیتواند مورد رهن واقع شود •

۳- بالاستدلال بهمین آیه معتقدند رهن دین و منفعت باطل است زیرا چنانچه در بالا ذکر شد قبض شرط صحت رهن میباشد و دین و منفعت قابل قبض و اقباض نمیباشند بنا براین هرگاه دین یا منفعتی قابل قبض و اقباض تشخیص شود در صحت عقد اشکالی نخواهد بود •

۴- بالاستدلال بهمین آیه معتقدند که مال مرهون در ید مرتهن امانت محسوب میگردد و تنها در صورت تعدی یا تفریط مسئول نقص و تلف شناخته میشود زیرا منظور شارع که حفظ اموال بوده فقط با این ترتیب ممکن است تأمین شود و هرگاه مرتهن را بطور مطلق « اعم از اینکه تفریط یا تعدی کرده یا نکرده باشد » مسئول نقص و تلف بدانیم و یا اینکه بهیچ تقدیر حتی در صورت تفریط یا تعدی هم او را مسئول نشناسیم نتیجه نفویت حی یکی از متعاملین خواهد بود « ماده ۷۸۹ »

۵- بالاستدلال بهمین آیه معتقدند که مرتهن برای

استیفای طلب خود از قیمت مال مرهون بر طلبکاران دیگر حق تقدم دارد

در حقوق فرانسه هرگاه مالی در مقابل چند طلب مرهون باشد در صورت نبودن قرارداد مخصوص ترتیب تقدم هر يك از طلبکاران با ترتیب تاریخ عقود معین میشود •

۶- بالاستدلال بهمین آیه معتقدند برای هر مالی که در ذمه باشد ممکن است رهن داده شود خواه ثبوت آن در ذمه مستقر باشد یا نباشد مانند ثمن در مدت خیار « ماده ۷۷۵ » بنابراین رهن بر عین مغسوبه و عین مأخوذه بسوم و امثال و نظایر آن صحیح نیست •

برای نگهداری مال مرهون ممکن است مخارج لازم باشد مخارج ضروری نگهداری بمعهد راهن میباشد که باید آنرا بمرتهن پردازد •

در صورتیکه راهن در مورد مقرر طلب مرتهن را اصلا و فرعاً و خساراً تأدیه نکند طلبکار حتی در صورتیکه از طرف مدیون برای استیفای طلب خود از قیمت مال مرهون وکالت داشته باشد باید بمراجع قضائی رجوع نماید •

گاهی ممکن است در اثر فشار حوادث راهن مالی را بمعنوان رهن بطلبکار خود بدهد که از حیث قیمت بالاتر از مبلغ دین باشد و در موعد مقرر هم نتواند قرض خود را بدهد و مال مرهون را پس بگیرد برای جلوگیری از نفویت حق و برای حفظ حقوق راهن قانون فرانسه مقرر میدارد :

در صورتیکه استیفای طلب مرتهن از قیمت مال مرهون ضرورت داشته باشد تقویم باید بوسیله کارشناسان بعمل آید و مال مرهون بطریق مزایده بفروش برسد هر قید و شرطی مخالف این ترتیب که بین متعاملین مقرر شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط میباشد